


جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
دیوان عالی کشور
اداره کل وحدت رویه و نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره: ۱۳۶۲/۱/۲۲-۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

الف- از محتوای دو دادنامه که اتخاذ موضوعی دارند و از دادگاه عمومی حقوقی تنکابن صادر و در شعب ششم و نهم دیوان کشور نقض و ابرام گردیده، مستفاد است که دادگاه صادر کننده این دادنامه رسیدگی به دعاوی آقای حجت الله یزدان زاده را علیه آقای سرلشگر علوی و غیره و آقای نادر گنجی و غیره که خواسته آن تقاضای ابطال اسناد مالکیت رقبه خشگذران منوط به تعیین تکلیف دعوی آنان علیه وزارت دارائی مطروحه در همان دادگاه که خواسته آن استرداد قسمتی از این رقبه است دانسته و چون مقدرات دعوی استردادی رقبه خشگذران هنوز تعیین نشده، آقای یزدان زاده و غیره را ذینفع در دعوی ندانسته و به این جهت دعاوی راجع به تقاضای ابطال اسناد مالکیت را مردود اعلام کرده است. هرچند رسیدگی به دعاوی راجع به تقاضای ابطال اسناد مالکیت خشگذاران موكول به تعیین مقدرات دعوی مطروحه علیه وزارت دارائی به خواسته استرداد قسمتی از مشاع از مرتع خشگذاران است، ولی با ملاحظه ارتباط کامل موضوع دعاوی فوق الاشعار با یکدیگر، دادگاه صادر کننده این دادنامه ها با ملاحظه موضوع دعوی علیه وزارت دارائی قانوناً مکلف به توأم نمودن پرونده ها و تعیین تکلیف دعاوی بوده است و با این تقدیر رد دعاوی آقای حجت الله یزدان زاده و غیره به خواسته ابطال اسناد مالکیت رقبه خشگذاران بدون رسیدگی و تعیین مقدرات دعوی آنان علیه وزارت دارائی فاقد وجاهت قانونی است و بالنتیجه حکم شعبه نهم دیوان کشور که بر این اساس و تشخیص استوار می باشد برابر موازین قانونی است.

ب- در مورد احکام صادره از شعب دوم و ششم دیوان کشور که به دلالت آن شعبه دوم دیوان عالی کشور با نقض حکم دادگاه عالی که با شرکت رئیس دادگاه صلح قبل از حدوث اختلاف عقیده در دادگاه عمومی دو نفری صادر شده، ترکیب دادگاه عمومی را قانونی ندانسته و حکم شعبه ششم دیوان کشور مبنی بر ابرام حکم دادگاه تالی که با شرکت رئیس دادگاه صلح دون حصول و حدوث اختلاف صادر گردیده است.



چون مستفاد از ماده ۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۹/۵ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران جواز شرکت ریاست دادگاه صلح در دادگاه عمومی موكول به حدوث اختلاف عقیده در آن دادگاه و عدم حضور و وجود دادرسی دیگری از دادگاه عمومی است، لذا دادنامه صادره از شعبه دوم دیوان کشور که مشعر بر این مراتب می باشد منطبق با قانون است.

این رأی به استناد ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ صادر شده و در موارد مشابه برای دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۲/۱/۲۲-۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه تبصره ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ ناظر به اعطاء اختیار به هیأت حل اختلاف برای تغییر نام های ممنوع می باشد و رسیدگی به سایر دعاوی مربوط به نام اشخاص در صلاحیت عام محاکم عمومی دادگستری است، فلذًا دادنامه صادره از شعبه سوم دیوان عالی کشور که بر همین اساس صدور یافته صحیح و موافق موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۲/۳/۲-۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

از ماده اول قانون اراضی شهری که در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، چنین مستفاد است که حقوق و اختیارات و اقتداراتی که به موجب این قانون برای دولت شناخته شده و من حیث حق حاکمیت دولت است و بدیهی است که اعمال حقوق حاکمیت دولت وسیله سازمان زمین شهری که به موجب اساسنامه مورخه ۱۳۶۱/۳/۳۰ مصوب هیأت وزیران تشکیل شده است و بصورت شرکت دولتی اداره می شود، موجب تغییر عنوان و وصف حق دولت که از اصل حاکمیت ناشی گردیده و نشأت می گیرد نخواهد بود. با این تقدیر هرنوع دعوائی که در اجرای قانون اراضی شهری وسیله مرجع اجرائی این قانون یا اشخاص حقیقی و حقوقی مطرح شود دارای وصف دعاوى دولت و مشمول بند یک از ماده ۱۶ از قانون آیین دادرسی مدنی و مرجع رسیدگی به اینگونه دعاوى دادگاه عمومی یا دادگاه شهرستان می باشد، بنابرمراتب، حکم شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی کرمان که پس از رسیدگی به دعوى مطروحه ناشی از اجرای قانون اراضی شهری صادر شده، برابر با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی به اکثریت صادر شده و مستنداً به ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه های لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۰-۱۳۶۲/۳/۲۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

صرفنظر از اینکه ادعای خسارت مدعیان خصوصی اعم است از دیه شرعی مورد نظر قانونگزار و ضرر و زیان ناشی از جرم، چون با فرض دیه بودن آن یا قطعیت حکم دادگاه کیفری و فراغت مرجع مذبور در امر جزائی، طرح مجدد مطالبه دیه در دادگاه کیفری مجاز ندارد و از طرفی با مشروع تلقی نشدن حکم جزائی قطعی سابق الصدور، محکمه حقوق نمی تواند آنرا ملاک صدور قرار عدم صلاحیت خود قرار دهد، بلکه باید با توجه به مقررات حاکم موجود و منظور داشتن تمام جهات قضیه در ماهیت امر بیان عقیده نماید، از این حیث رأی شعبه دیوان عالی کشور که در ما نحن فيه به صلاحیت محاکم حقوقی اظهار نموده صحیح و موجہ تشخیص می شود.

این رأی به موجب ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع می باشد.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۲/۴/۱۳-۱۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از اطلاق و عموم مواد ۵۵ و ۵۶ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب شهریور ۱۳۶۱، شکستن استخوان، یکی از انواع جرح عضو و موجب قصاص است و نیز با توجه به عموم ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب همان سال و تبصره های ذیل آن، رسیدگی به جرائمی که کیفر آنها از باب قصاص باشد در صلاحیت دادگاه های کیفری یک است، فلذا رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور در این زمینه صحیحاً صادر گردیده و مطابق با موازین قانونی است. به اکثریت آراء تأیید می شود.

این رأی بموجب ماده واحده مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۲/۷/۶-۱۳

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چنانچه قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچ گونه خلافی مرتکب نشده باشد و قوع قتل هم صرفاً بلحاظ تخلف مقتول باشد، راننده مسئول نبوده و بالنتیجه رأی شعبه ۲۱ دادگاه کیفری دو مشهد باتفاق آراء تأیید می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای کلیه دادگاه های جزائی و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۲/۱۰/۲۱-۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب تبصره ذیل ماده ۳ قانون دیات، پرداخت قیمت دیه به جای یکی از انواع آن با تراضی طرفین امکان پذیر است و دادگاه تکلیفی بر تعیین ارزش دیه ندارد و مناطق صلاحیت در رسیدگی به جرائم قتل خطائی و شبه عمد در محکم کیفری یک و فرجام پذیر بودن نظرات دادگاه های مذبور تبصره یک ماده ۱۹۸ و ماده ۲۸۵ قانون اصلاح مفادی از قانون آیین دادرسی کیفری است و رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور در این قسمت صحیح و موافق موازین قانونی صادر شده تأیید می گردد.

این رأی به استناد قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۶۲/۱۱/۵-۲۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه برابر تبصره ذیل ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۰، به جرائم داخل در صلاحیت دیوان کیفر کارکنان دولت باید در دادگاه های جزائی مراکز استان رسیدگی بعمل آید و نظر به اینکه حسب جمله اضافه شده به ماده یک قانون مرقوم، دادسرای عمومی در معیت دادگاه عمومی (که با تصویب قانون اصلاح مادی از قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه های کیفری ۱ و ۲ جانشین آن شده) انجام وظیفه می نمایند، بناءً علیه‌ها رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه کیفری مرکز استان فارس (شیراز) بوده و رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور در این زمینه منطبق با موازین قانونی است و با اکثریت آراء تأیید می گردد.

این رأی به موجب ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۶۳/۱/۲۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به نظر اکثر فقهاء و به ویژه نظر مبارک حضرت امام مظلله العالی در حاشیه عروه الوثقی و نظر حضرت آیت الله العظمی منتظری که در پرونده منعکس است و همچنین با عنایت به ملاک صدر ماده ۴۳ قانون مدنی، عقد دوم از نظر این هیأت صحیح و ولایت پدر نسبت به چنین عقدی ساقط است و مشروعتی دخول قبل از عقد شرط صحت عقد و با شرط سقوط ولایت پدر نیست و دخول مطلقاً(مشروع باشد یا غیر مشروع) سبب سقوط ولایت پدر می باشد، بنابراین رأی شعبه نهم مدنی خاص موضوع دادنامه شماره ۱۳۵۹/۱۱/۲۸-۲۷۹/۹ دایر بر صحت عقد دوم طبق موازین شرعی و قانونی صادر شده و صحیح است و این رأی برای محاکم در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۲/۱۹-۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

گرچه به موجب مقررات قانون جدید روابط مؤجر و مستأجر مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، حکم ماده ۴ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب مرداد ماه ۱۳۵۶ و ماده واحده اصلاحی آن راجع به تعديل اجاره بها در مورد اماكن مسکونی، به ترتیبی که در آن ماده واحده اصلاحی مقرر بوده ملغی الاثر گردیده، ولی این امر مانع این نیست که با لحاظ مرجعیت عام دادگاه های دادگستری و با توجه به صراحة ماده ۱۵ قانون جدید روابط مؤجر و مستأجر، اگر مؤجرین و یا مستأجرین اماكن مسکونی راجع به میزان اجرت المثل و کیفیت پرداخت آن برای خود حقی قائل باشند بتوانند بر طبق مقررات قانون مدنی و مقررات قانون جدید و شرایط مقرر بین خود در دادگاه ها اقامه دعوی نمایند، بنابراین رأی شعبه ۳۱ دادگاه عمومی تهران که نتیجتاً متضمن این معنی است منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۳/۲/۱۹-۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرگاه پرونده مربوط به اتهام صدور چک بلا محل طبق موازین قانونی معد برای اظهار نظر باشد، رسیدگی و صدور حکم در غیاب متهم خالی از اشکال است، در مواردی که شاکی گذشت نماید دادگاه به موجب ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات و ماده ۱۱ قانون صدور چک مصوب تیرماه ۱۳۵۵ مکلف به صدور رأی به موقوفی تعقیب می باشد، بنابراین آراء شعب ۸۹ و ۵۳ و ۱۶۷ دادگاه های کیفری دو تهران از این جهت به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیحاً صادر گردیده است.

این رأی به تجویز ماده ۳ قانون اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای دادگاه ها لازم الاتباع

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۳/۴/۶-۱۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند در شکستگی استخوان اجرای قصاص به علت اینکه ممکن است موجب تلف جانی و یا زیاده از اندازه جنایت گردد (تعزیر به نفس یا عضو) امکان پذیر نیست و طبق ماده ۶۳ قانون حدود و قصاص مصوب سال ۱۳۶۱، در چنین مواردی قصاص به دیه تبدیل می شود، اما با توجه به مدلول همین ماده چون حکم اصلی بر حسب قانون قصاص بوده که به دیه تبدیل می گردد، بنابراین آن قسمت از رأی وحدت رویه شماره ۱۲-۱۳/۴/۱۳۶۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که صرفاً مشعر است بر صلاحیت دادگاه کیفری یک در رسیدگی به جرائم شکستن استخوان، با توجه به ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ صرفنظر از استدلال مندرج در آن به اکثربت آراء تأیید و اضافه می شود منظور از رأی قبلی هم فقط صلاحیت دادگاه کیفری یک در رسیدگی به جرائم شکستن استخوان بوده است.

این رأی اصلاحی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۴/۱۳-۱۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق بند ب ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه‌های کیفری یک در موارد خاصی از قصاص صالح به رسیدگی می‌باشند، تمام مواردی که کیفر عمل قصاص باشد به دادگاه‌های مذکور ارتباط پیدا نمی‌کند و رأی شماره ۱۲-۱۳۶۲/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور تنها در مورد شکستگی استخوان بوده و جراحتهای ساده ولو آنکه مجازات آنها قانوناً قصاص باشد خارج از شمول رأی مذکور است، لذا رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور از این جهت صحیح است.

این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای محاکم در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۶/۲۸-۱۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر براینکه در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حق استفاده از وکیل اهمیت خاصی منظور گردیده و از طرفی با توجه به ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنایی و مستنبط از مقررات تبصره ۲ ماده ۷ و ماده ۱۲ لایحه قانونی، تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ و اصلاحیه های بعدی آن با لحاظ بخشنامه مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ شورای نگهبان دارای اعتبار قانونی است، مداخله وکیل تسخیری در صورتیکه متهم شخصاً وکیل تعیین نکرده باشد در محاکم کیفری و در موردی که مجازات اصلی آن جرم اعدام یا حبس دائم باشد ضروریست، بنابراین رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که در خصوص مورد براساس این نظر صادر شده قانونی و موجہ تشخیص می گردد. این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۷/۱۱-۱۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

"با توجه به صراحة ماده ۴ قانون مجازات مرتكبين قاچاق ((مقصود از قاچاق اسلحه وارد کردن به مملکت و یا صادر کردن از آن یا خرید و فروش و یا حمل و نقل و یا مخفی کردن و یا نگاهداشتن آن است در داخل مملکت)) چون اخفاء و نگهداری اسلحه غیرمجاز نیز از موارد جرم قاچاق مورد نظر قانونگزار احصا شده است و نیز با عنایت به بند ۳ ماده واحده قانون حدود صلاحیت دادسراهای دادگاه های انقلاب مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱، رسیدگی به کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و قاچاق در صلاحیت دادگاه های انقلاب قرار داده شده است، از این جهات رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده موجہ و قانونی بوده و تأیید می شود.

این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۷/۲۵-۲۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون در امور مدنی بر طبق قانون و مقررات مربوطه قبول درخواست تجدیدنظر نسبت به آراء دادگاه صلح و رسیدگی به آن در دادگاه عمومی تجویز گردیده و بخشنامه اصلاحی (توضیحی) شماره ۱/۲۸۱۹۵ مورخ ۱۳۶۲/۶/۷ شورای عالی قضائی هم که از نظر ملاک مستند به نظر فقهای شورای نگهبان است منافاتی با امر مذکور ندارد، فلذ رأی شعبه هشتم دادگاه عمومی تهران که درخواست تجدیدنظر نسبت به رأی دادگاه صلح را پذیرفته و با رعایت مقررات مبادرت به صدور حکم کرده موافق موازین تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۶۳/۷/۳۰-۲۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد، دعاوی راجع به دادگاه‌هایی که رسیدگی نخستین می‌نمایند باید در همان دادگاهی اقامه شود که مدعی علیه در حوزه آن اقامت دارد و نظر به صراحت ماده ۴ لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص که رسیدگی دادگاه‌های عمومی دادگستری را در محل‌هایی که دادگاه مدنی خاص تشکیل نشده یا پس از تشکیل منحل شده در امور مربوط به صلاحیت دادگاه اخیر الذکر به استثنای دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق تجویز کرده و نیز با توجه به ماده ۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی که دادگاه صلح را در عداد دادگاه‌های عمومی قلمداد نموده است، رسیدگی به موضوع که درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به منظور اجرای صیغه طلاق می‌باشد در صلاحیت دادگاه صلح خاش محل اقامت خوانده بوده و بالنتیجه رأی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور موافق قانون صادر گردیده است.

این رأی بر طبق ماده واحده مصوب هفتم تیر ۱۳۶۸ برای شب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۳/۷/۳۰-۲۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصول کلی و مستنبط از ماده ۳۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی و مواد ۴۹ تا ۵۲ قانون آینین دادرسی مدنی، حل اختلاف در صلاحیت رسیدگی بین دو مرجع قضائی با دادگاهی است که از حیث درجه در مرتبه بالاتر قرار دارد و با توجه به اینکه دادسرای عمومی و دادسرای انقلاب از حیث درجه مساوی هستند، وقتی جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب شمرده شده، بعضاً واجد اهمیت بیشتری از جرائم مورد رسیدگی در دادگاه کیفری دو می باشد، بنابراین ارجاع حل اختلاف بین دادسرای عمومی و دادسرای انقلاب به دادگاه کیفری دو موجه بنظر نمی رسد و تشخیص صلاحیت مرجع قضائی در رسیدگی به موضوع با دیوان عالی کشور است و رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور که بر همین مبنای صادر گردیده، صحیح و منطبق با موازین قضائی است.

این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۶۳/۸/۲۸-۲۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به ماده ۳۸۶ قانون تجارت که در صورت تلف یا گم شدن مال التجارت، متصدی حمل و نقل را جز در مواردی که مستثنی شده مسؤول قیمت کالا و ماده ۳۸۷ آن قانون نامبرده را در مورد خسارت ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقض یا خسارات بحری (آورای) مال التجارت در حدود ماده قبل مسؤول شناخته و اینکه در پرونده های مطروحه به جای آنکه شرکت سهامی بیمه ایران به قائم مقامی از بیمه گزار دعوی خود را جهت مطالبه خسارتی که به صاحب کالا پرداخته، علیه متصدی حمل و نقل اقامه نماید علیه نماینده تجاری متصدی حمل و نقل که مسؤولیت و تعهد نماینده به موجب اسناد و مدارک پرونده ثابت و مسلم نشده طرح کرده، فلذ استماع دعوی به کیفیت مرقوم مجوز نداشته بدیهی است در صورتی که بر دادگاه معلوم و محرز شود که نماینده تجاری متصدی حمل و نقل دارای اختیارات و تعهداتی بوده که او را مسؤول نموده و می تواند طرف دعوی مطالبه خسارات قرار گیرد قبول دعوی به طرفیت او بلاشکال است و در این زمینه آراء شعبه سیزدهم و شعبه هیجدهم دیوان عالی کشور که متضمن این معنی است موافق موازین تشخیص و نتیجتاً مورد تأیید است.

این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیر ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الایاع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۹/۵-۳۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول، موضوع ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی (در دعاوی راجعه به غیر منقول اعم از دعوی مالکیت و سایر حقوق راجعه به آن) حتی در صورت مقیم نبودن مدعی و مدعی علیه در حوزه محل وقوع مال غیرمنقول استثنائی بر اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده موضوع ماده ۲۱ قانون فوق الاشعار می باشد و با عنایت به اینکه با تعاریفی که از اموال غیر منقول و اموال منقوله در مواد ۱۲ الی ۲۲ قانون مدنی به عمل آمده، از ماده ۲۰ آن چنین استنباط می شود که قانون گزار بین دعوی مطالبه وجوده مربوط به غیر منقول ناشی از عقود قراردادها و دعوی مطالبه وجوده مربوط به غیر منقول و نیز اجرت المثل آن در غیر مورد عقود و قراردادها قائل به تفصیل شده و دعاوی قسم اول را منطقاً از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول و دعاوی قسم دوم را مفهوماً از دعاوی راجعه به غیرمنقول دانسته است که نتیجتاً دعاوی اخیر الذکر تحت شمول حکم ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی قرار می گیرد، بنابراین در اختلاف نظر حاصله بین شعب ۳ و ۲۱ دیوان عالی کشور از یکطرف و ۱۳ و ۲۲ دیوان عالی کشور از طرف دیگر، احکام صادره از شعبه ۱۳ و ۲۲ که در مسیر استنباط مذکور قرار دارد مورد تأیید می باشد. این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۹/۱۲-۳۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با صراحةً ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب آبان ماه ۱۳۶۲، در صورتی که قتل غیرعمدى به واسطه بى احتياطي یا عدم مهارت راننده یا عدم رعایت نظمات دولتی واقع شود، مرتكب به مجازات مقرر در آن ماده محکوم می شود و گذشت صاحب حق یا قائم مقام قانونی منحصرًا جواز موقوفی تعقیب در جرائم غیرعمدى مندرج در مادتین ۱۵۰ و ۱۵۱ همان قانون را فراهم می سازد و تسری به حبس مقرر موضوع ماده ۱۴۹ قانون یاد شده ندارد، فلذا به نظر اکثريت رأى شعبه ۹ دادگاه كيفرى دو همدان که در همین زمينه صدور يافته صحيح و منطبق با موازيين قانوني است.

این رأى برطبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آيین دادرسی كيفرى مصوب مردادماه ۱۳۳۷ در موارد مشابه لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۹/۱۹-۳۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲، نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمانه متداوله در مذهب آنان در دادگاه ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده، فلذا دادگاه ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتname ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمانه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده ۴ قانون امور حسبي و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کيفري مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۹/۲۶-۴۰

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دیه شکستگی استخوان بینی، در ماده ۹۱ قانون دیات معین شده و عموم مواد ۱۵۱ و بند هـ ماده ۱۸۶ قانون دیات شامل آن نمی گردد و رأی شعبه ۱۲ به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور از این جهت صحیحاً صادر شده و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی به موجب ماده واحده تیرماه ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۴۲-۳/۱۰/۱۳۶۳

بسمه تعالى

دای وحدت رویه هئأت عمومي دیوان عالي کشور

مستفاد از تبصره ماده ۶ قانون اراضی شهری آن است که کسانی که به تاریخ قبل از قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری با اسناد عادی دارای زمین اعم از موات و بایر بوده می‌توانند برای تأیید تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله به مراجع قضائی مراجعه و دادگاه‌های دادگستری نیز می‌باشد نسبت به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید، لذا رأی شعبه دوم دادگاه عمومی همدان که بر این مبنای صادر گردیده موجه به نظر می‌رسد و با اکثریت آراء تأیید می‌گردد.

این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب یکم مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۱۰/۴۴

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه کیفر های دیه و حبس مقرر در ماده ۱۴۹ قانون تعزیرات، با عنایت به مقررات حاکم موجود به لحاظ لزوم موقوف شدن تعقیب مجرم با گذشت شاکی در خصوص دیه و قابل گذشت نبودن آن در مورد کیفر حبس مجازاتهای مستقل و منفک از هم بنظر می رسند و از طرفی با توجه به صراحة مادتين ۱۹۸ و ۲۸۷ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری حبس های کمتر از ده سال قطعی است، لذا رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که بر مبنای و اساس این نظر صادر شده قانونی و موجہ تشخیص می شود.

این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۱۰/۱۷-۴۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

راجع به مرجعیت عام دادگستری در اصل یکصد و پنجاه و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده که مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است و در مورد صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی مدنی، ماده یک قانون آینین دادرسی مدنی مصروف است به اینکه رسیدگی به کلیه دعاوی مدنی راجع به دادگاه‌های دادگستری است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده است و اما موضوع بحث در پرونده‌های مطروحه تشخیص مرجع رسیدگی نسبت به اعتراض و شکایت از تصمیم کمیسیون اداری پنج نفری موضوع ماده واحده لایحه قانونی راجع به تعیین هیأت پنج نفری جهت انجام وظایف سازمان‌های عمران اراضی شهری در استانها مصوب بهمن ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض قوانین بوده که این نحوه شکایت از انواع دعاوی و امور ترافعی محسوب نمی‌شود تا نیاز به رسیدگی و قطع و فصل در مراجع قضائی دادگستری داشته باشد، بلکه از جمله مواردی است که رسیدگی و اظهارنظر نسبت به آن بر طبق ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در حدود صلاحیت آن دیوان تعیین شده است، فلذًا اینگونه شکایات باید به آن مرجع تسلیم گردد.

این رأی برابر قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۱۰/۲۴-۴۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

هرچند با استفاده از ملاک ماده ۳ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون گسترش کشاورزی در قطبهای کشاورزی مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مؤخر تصویب بر آین نامه مورخ ۱۳۵۵/۲/۲۷ هیأت وزیران و عمومات مبحث دوم فصل هشتم قانون مدنی در تقسیم اموال مشترک افزای اراضی فاقد ساختمان واقع در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و شهرکها، بین مالکین مشاعی به نسبت مالکیت آنان به کمتر از بیست هکتار به استثناء مواردی که قانوناً نیاز به تأیید مقامات خاصی دارد، بلاشکال است، اما نظر به اینکه برابر فصل دوم آین نامه مربوط به استفاده از اراضی، احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵/۲/۲۷ ایجاد هرگونه ساختمان و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مستلزم رعایت ضوابط پیش بینی شده در آین نامه مذبور من جمله اخذ پروانه ساختمانی و یا اعمال ماده ۸ آن می باشد که پذیرش تقاضای افزای زمینهایی که در آنها بدون رعایت ضوابط و مقررات آین نامه مرقوم احداث بنا شده به مثابه نادیده انگاشتن مقررات آین نامه مذبور و تأیید عمل خلاف مدلول آن خواهد بود، بنابراین دعوى افزای اراضی خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و شهرکهای دارای ساختمان بدون اینکه در ایجاد ساختمان رعایت آین نامه فوق شده باشد قابلیت استماع را ندارد و چون حسب محتویات پرونده های محاکماتی در هریک از پلاک های مورد درخواست افزای دو باب ساختمان مجزا از یکدیگر بدون رعایت مقررات آین نامه مذبور احداث گردیده، رأی شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی کرج مآلً متضمن معنای فوق تشخیص و تأیید می شود.

این رأی برابر ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آین دادرسی کیفری در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۶۳/۱۱/۵۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه بخشنامه شماره ۱۳۶۲/۴/۱۱-۱/۱۸۲۷۳ شورای عالی قضایی ناظر به ماده ۱۷ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸ و راجع به آراء دادگاه صلح بوده و ارتباطی به آراء دادگاه‌های شهرستان و استان سابق و رسیدگی پس از نقض فرجامی نداشت، که بخشنامه های اصلاحی و توضیحی شماره ۱/۲۲۰۵۷-۱۳۶۲/۵/۱ و ۱۳۶۲/۶/۷-۱/۲۸۱۹۵ مؤید همین معنی است و مستفاد از مواد ۵۷۱-۵۷۲-۲۷۳ و ۵۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی پس از نقض، دادگاه مرجع ایه مکلف به رسیدگی مجدد می باشد و رسیدگی فرجامی وسیله دیوان عالی کشور در اصل ۱۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در مواد مورد لزوم در تشکیل شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۱ نیز تجویز گردیده، فلذا تصمیم شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی همدان مبنی بر رسیدگی مجدد پس از نقض فرجامی مطابق موازین تشخیص و تأیید می شود.

این رأی به موجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۳/۱۱/۱-۵۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

چون شیوع جرم کلاهبرداری موضوع ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در رابطه با حقوق عمومی و نظم و امنیت جامعه و آسایش عامه دارای اثر عمیق نامطلوب و فزاینده‌ای است که ایجاب می‌نماید، اعم از اینکه شاکیان یا مدعیان خصوصی درخواست تعقیب و اقامه دعوی کرده یا نکرده باشند، دادستان خود مرتکبین آن را تعقیب و به کیفر برساند و این امر مستلزم آن است که تعقیب و مجازات مرتکبین چنین جرمی صرفاً مبتنی بر تقاضای صاحبان حق یا قائم مقام قانونی آنان نباشد تا با استرداد شکایت و دعوی از طرف ایشان تعقیب کیفری و مجازات موقوف گردد و قوانین و مقررات کیفری مربوطه هم منافاتی با این امر ندارد، فلذاً محکومین این جرم که از انواع جرائم قابل گذشت به شمار نمی‌آید می‌توانند با اجازه ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب مرداد ماه ۱۳۵۶ مستندًا به استرداد شکایت و دعوی از طرف شاکیان و مدعیان خصوصی از دادگاهی که حکم قطعی را صادر کرده درخواست کنند که دادگاه در میزان مجازات آنان تجدیدنظر نموده و در صورت اقتضاء کیفر آن را در حدود قانون تخفیف دهد، بنابراین رأی شعبه ۱۹۳ دادگاه‌های کیفری دو تهران که مالاً متنضم این معنی است موافق موازین تشخیص می‌گردد.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۵۴/۱۱/۸ - ۱۳۶۳

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در جرائمی که رسیدگی به آن در حد تبصره ۱ ماده ۱۹۸ قانون اصلاح دادرسی کیفری در صلاحیت محکمه کیفری ۱ است هرگاه کیفر آن جرائم دیه باشد چون دیه خود قانوناً کیفری مستقل است و ارزش ریالی آن ملحوظ نیست نظر محکمه قابل طرح در دیوان عالی کشور است و لذا رأی شعبه بیست منطبق با قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق قانون وحدت رویه، در موارد مشابه برای تمام دادگاهها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۳/۱۱/۱۵-۵۶

بسم الله تعالى

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه مشارکت بانک‌ها با مؤسسات مشمول بند ج ماده یک قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران (مصوب تیرماه ۱۳۵۸) از طریق افزایش سرمایه با توجه به کلمه طلب مذکور در ماده ۳ لایحه قانونی متمم قانون حفاظت و توسعه صنایع منوط به ثبوت طلب بانک از اینگونه مؤسسات بوده و ثبوت این موضوع در صورت اختلاف موكول به طرح دعوی در دادگاه است و با توجه به اینکه ماده ۳ مذکور صرفاً ناظر به نحوه استیفاء طلب و اجرای حکم می‌باشد، لذا آراء صادر از شعب ۱۸ و ۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران در این خصوص موجه به نظر می‌رسد.

این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً مجاز و
شرعاً مجاز و آراء هیأت عمومی

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۶۳/۱۲/۶-۶۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه رسیدگی به دعاوی تخلیه ید از اعیان مستأجره بر طبق بندهای الف و ج ماده ۱۵ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی ناظر به بند ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی در صلاحیت دادگاه های صلح شمرده شده و در دعاوی تخلیه ید از اعیان مستأجره محل کسب یا پیشه یا تجارت هم بنا به تعریفی که در فصل ارزیابی خواسته در قانون آیین دادرسی مدنی از خواسته و میزان آن و صلاحیت دادگاه به عمل آمده خواسته دعوی همان تخلیه عین مستأجره بوده ، النهایه دادگاه ضمن صدور حکم تخلیه حق کسب یا پیشه یا تجارت مستأجر را مستندًا به مواد ۲۷ و ۲۸ قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب مرداد ماه ۱۳۵۶ به امرأmer قانونی مورد لحقوق حکم قرار می دهد، بنابراین در این نوع دعاوی ولو آنکه میزان حق کسب یا پیشه یا تجارت زائد بر میزان نصاب دادگاه های صلح باشد، این قضیه که از تبعات دعوی است نمی تواند تأثیری درخواسته اصلی دعوی و صلاحیت دادگاه داشته باشد و رأی شعبه دوم دادگاه عمومی(حقوقی) کرمان که متنضم این معنی است موافق موازین تشخیص می گردد.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۴/۲/۲۳-۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه به موجب ماده ۱۹۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ۱۳۶۱، دادگاه های کیفری به دادگاه های کیفری یک و دو تقسیم شده اند و طبق ماده ۱۹۳ قانون مذبور رسیدگی به جرائم اشخاص به ترتیب مقرر در قانون یاد شده و در صلاحیت دادگاه های مذکور است و مستفاد از مواد ۱۹۸ و ۲۱۷ قانون مذبور ملاک صلاحیت هریک از دادگاه های مرقوم، کیفر قانونی پیش بینی شده برای جرم ارتکابی قطع نظر از خصوصیت و وضعیت متهمین می باشد و ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب مهرماه ۱۳۶۱ مبنی بر مبری بودن اطفال از مسؤولیت کیفری، در صورت ارتکاب جرم به معنای صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری دو در رسیدگی به کلیه اتهامات انتسابی به اشخاصی که طفل معروفی می شوند نیست، فلذا در مواردی که جرائم ارتکابی اطفال (کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) از جمله جرائم موضوع ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک آن باشد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، در غیر این صورت دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور که متناسب همین معنی است مطابق موازین تشخیص می گردد.

این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۴/۲/۳۰-۹

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه برابر ماده واحده لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزائی اصلاحی شهریورماه ۱۳۵۸ کلیه کسانی که تا تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۸ در مراجع قضائی مورد تعقیب قرار گرفته اند، اعم از اینکه حکم قطعی درباره آنان صادر شده یا نشده باشد، به استثنای جرائم و محکومیتهای موضوع تبصره دو آن از تعقیب یا مجازات معاف شده اند و با توجه به اینکه جرم تصرف عدوانی عنوان شده در پرونده (تصوف با قهر و غلبه موضوع ماده ۲۶۸ قانون مجازات عمومی) از مصاديق مستثنیات تبصره دو یاد شده نمی باشد، بنابراین مورد مشمول ماده واحده مذکور بوده و قسمت اخیر رأی شعبه ۱۶ کیفری دواهواز در قسمتی که جرم تصرف عدوانی ارتکابی در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۲ متهمان را مشمول لایحه یاد شده دانسته منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۴/۳/۲۰-۱۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

پس از تصویب ماده ۲ قانون دیات در ۱۳۶۱/۹/۲۴، برای قتل غیرعمدی دیه معین شده و به موجب ماده ۲۱۱ قانون مذبور کلیه قوانینی که با آن قانون مغایرت دارد از جمله قانون تشدید مجازات رانندگان صرenha نسخ گردیده است. به استناد ماده ۶ قانون راجع به مجازات اسلامی، متهمی که قبل از تصویب قانون تعزیرات مرتکب قتل غیرعمدی شده، مستحق تعزیر در قانون مذبور نیست و نظر شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور صحیحاً صادر شده است. این رأی به استناد ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۴/۳/۲۰-۱۲

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

کیفری که قانونگذار در ماده ۸۷ قانون تعزیرات برای اهانت به کسانی که در سمت‌های مختلف دولتی وظایفی را انجام می‌دهند و به آن مناسبت مورد اهانت قرار می‌گیرند معین کرده، اشد از مجازاتی است که در ماده ۸۶ همان قانون برای اهانت به افراد غیر مسؤول تعیین شده و در این امر حفظ نظم عمومی و سیاست اداری کشور ملاحظه بوده و حق شخص و فردی نیست که انصراف آنان از شکایت تعقیب جزائی را کلاً موقوف نماید، لذا نظر شعبه ۱۹۳ دادگاه کیفری دو تهران از این جهت منطبق با موازین قانونی بوده و صحیحاً صادر شده است.

این رأی به موجب ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ۱۳۳۷ در موارد مشابه از طرف دادگاه‌ها لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۴/۷/۳۰-۲۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه رسیدگی به دعوی راجع به دولت برابر بند ۱ ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی و توجه به بند الف ماده ۱۵ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی در صلاحیت دادگاه صلح نمی باشد و برابر رأی وحدت رویه شماره ۷-۱۳۶۲/۳/۲ دعوی مطروحه از ناحیه سازمان اراضی شهری دارای وصف دعاوی دولت و خارج از صلاحیت دادگاه صلح تشخیص شده، بنابراین رسیدگی به اعتراض سازمان زمین شهری به عنوان ثالث نسبت به رأی صادره از دادگاه صلح هم خارج از صلاحیت دادگاه صلح و در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است و رأی شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور در قسمتی که متضمن این معنی است منطبق با موازین تشخیص می شود.

این رأی طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۴/۸/۱۴-۲۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه دعوی مطالبه‌اجور معوقه اماكن استیجاری از دعاوی موضوع قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ نمی باشد و از شمول ماده ۲۶ قانون مزبور خارج است، بنابراین آراء شعب ۲۱ و ۲۵ دیوان عالی کشور که دادخواست فرجامی از احکام نخستین دادگاه‌های عمومی حقوقی در دعاوی به خواسته بیش از دویست هزار ریال اجور معوقه اماكن استیجاری را بر این مبنای پذیرفته و رسیدگی نموده اند، صحیح و منطبق با موازین تشخیص می شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
شمزارگات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۴/۹/۵-۲۶

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه برابر ماده ۱۹۲ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، جرائم و نیز مجازاتها حسب نوع آنها به حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم شده اند نه خلاف و جنحه و جنایت مندرج در قانون مجازات عمومی سابق و مجازات توهین به افراد در ماده ۸۶ قانون تعزیرات شلاق تعیین گردیده و ماده ۲۱۷ قانون صدر الاشعار که در مقام تعیین حدود صلاحیت دادگاه کیفری دو در مقابل دادگاه کیفری یک فحاشی را در صلاحیت دادگاه کیفری دو دانسته است، به معنای نفی صلاحیت بازپرس یا جانشین او در رسیدگی به شکایت مزبور در حدود وظایف قانونی آنها نمی باشد، بنابراین رسیدگی به اهانت و فحاشی در دادسرما، چنانچه شاکی رأساً به دادسرما شکایت نماید و اظهارنظر مقتضی بر موقوفی یا منع تعقیب یا مجرمیت، تکلیف قانونی قضات دادسراست و رأی شعبه ۲۲ دادگاه کیفری دو تبریز که نتیجتاً بر همین مبنای صادر شده، منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی به تجویز ماده ۳ قانون اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۴/۹/۱۲-۲۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۴۲ قانون حدود و قصاص مصوب شهریورماه ۱۳۶۱ که پرداخت دیه مقتول را با شرایط خاصی از بیت المال قرار داده، با هیچیک از موارد مذکور در ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ تطبیق نمی کند تا رسیدگی شکلی دیوان عالی کشور را بر طبق مادتین ۲۸۵ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایجاب نماید، فلذا رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که متضمن همین معنی است صحیح و منطبق با موازین تشخیص می شود.

این رأی برطبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۴/۹/۱۲-۲۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ که مؤخر از ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب خرداد ماده ۱۳۵۶ به تصویب رسیده، علی الاطلاق ناظر به حدوث اختلاف بین دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری برای حل اختلاف در دیوان عالی کشور می باشد و ظهور بر این امر دارد که اگر هریک از اینندو مرجع به اعتبار صلاحیت مرجع دیگر از خود نفی صلاحیت کند و مورد قبول طرف واقع نشود اختلاف محقق می گردد، بنابراین قبل از حدوث اختلاف در صلاحیت، موضوع قابل طرح در دیوان عالی کشور نیست و رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که بر این مبنای صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۴/۹/۲۶-۲۹

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه سیگارهای تولید داخلی پس از عرضه و فروش از ناحیه دولت (ادارات دخانیات) به نمایندگان و عاملین برای توزیع، از تملک و انحصار مطلق دولت خارج می‌گردد، بنابراین خرید و فروش و حمل و نگاهداری بعدی آنها از مصادیق قاچاق موضوع مواد ۱ و ۲۶ قانون مجازات مرتكبین قاچاق نمی‌باشد، هرچند که ممکن است تخلف از مقررات عرضه و فروش آنها عنوان جرم دیگری داشته باشد، بالنتیجه نظر شعبه ۷ دادگاه کیفری دو قم در حدی که متضمن احراز صلاحیت محاکم عمومی است منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۴/۱۰/۳۰ - ۳۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی هشتم دی ماه ۱۳۶۱، که علی القاعدہ رسیدن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرار داده و خلاف آن را محتاج به اثبات دانسته اند، ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط به خود می باشد مگر در مورد امور مالی که به حکم تبصره ۲ ماده مرقوم مستلزم اثبات رشد است. به عبارت اخیری صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد می توانند نسبت به اموالی که از طریق انتقالات عهدی یا قهری قبل از بلوغ مالک شده، مستقلأً تصرف و مداخله نماید و قبل از اثبات رشد از این نوع مداخله ممنوع است و بر این اساس نصب قیم به منظور اداره امور مالی و استیفاء حقوق ناشی از آن برای افراد فاقد ولی خاص، پس از رسیدن به سن بلوغ و قبل از اثبات رشد هم ضروری است، بنابراین رأی دادگاه عمومی حقوقی فسا قائم مقام دادگاه مدنی خاص در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۴/۱۱/۸-۳۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مدلول صدر تبصره ماده ۶ قانون اراضی شهری مصوب ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۰ مفید این معنی است که استماع دعوی تأیید تاریخ تنظیم سند عادی و صحت معامله زمین در مورد اسناد عادی تنظیمی قبل از لایحه قانونی لغو مالکیت اراضی موات شهری (۱۳۵۸/۴/۵) در شهرهایی که برای تشکیل پرونده قبلاً مهلت تعیین شده، مقید به تشکیل پرونده در مهلتهای معینه است، بنابراین آراء شعب ۱۷ و ۲۱ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۴/۱۱/۲۹-۳۲

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ که احکام صادر از دادگاه‌های کیفری دو را (در غیر مستثنیات مصريحه در اين قانون) قابل تجدیدنظر نشناخته، ناظر به مواردی است که دادگاه‌های کیفری دو رأى خود را منحصراً در امر کیفری صادر نمایند، اما در مواردی که دادگاه‌های کیفری دو بر طبق قانون به دعوی حقوقی ضرر و زیان ناشی از جرم هم رسیدگی می نمایند و رأى دادگاه واحد جنبه حقوقی و کیفری بوده و دعوی حقوقی وفق مقررات آیین دادرسی مدنی قابل سیر در مرحله فرجامی باشد، حکم جزائی هم به صراحت عبارت ذیل تبصره ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری و به تبع امر حقوقی قابل فرجام خواهد بود، بنابراین آراء شعب ۱۴ و ۱۹ دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأى بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۴/۱۲/۳۳ - ۱۲/۱۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمله ذیل ماده ۱۲ قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ مبنی بر قطعیت حکم دادگاه، با توجه به رویه قانونگذاری قوه مقننه در جهت اعمال موازین اسلامی، مشعر بر این معنی است که آراء دادگاه های عمومی حقوقی موضوع ماده ۱۲ قانون اراضی شهری قابل رسیدگی فرجامی به نحو مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی نمی باشد، فلذا رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱-۲/۲/۱۳۶۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با تصویب قانون حدود و قصاص و دیات در سال ۱۳۶۱، مجازات جرح عمدى با چاقو باید با لحاظ مواد ۵۵ و ۶۳ قانون حدود و قصاص تعیین شود، مگر اینکه اقدام به چاقوکشی از مصاديق جرائم دیگری نظیر عناوین مذکور در قانون حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سردو اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی مصوب ۱۳۳۶ باشد که در این صورت تعیین مجازات به این عنوان هم بلاشکال است، بنابراین تبصره ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۴۴ در این مورد قابلیت اعمال ندارد و آراء دادگاه کیفری یک و شعبه ۸ دادگاه کیفری کرمان تا آنجا که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی برابر ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۵/۶/۱۸-۱۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی ۱ و ۲ مصوب آذرماه ۱۳۶۴ منصرف از دعاوی به خواسته تا دو میلیون ریال می باشد که در حد نصاب دادگاه های حقوقی دو قرار گرفته است، بنابراین دادگاه های حقوقی یک که طبق ماده ۱۶ نسبت به این قبیل دعاوی مکلف به ادامه رسیدگی می باشد با استفاده از وحدت ملاک ماده ۶ قانون مزبور باید پس از خاتمه رسیدگی مبادرت به انشاء رأی نمایند و رأی شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور تا حدی که بر این اساس صادر شده صحیح و منطبق با قانون تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۸/۷/۱۳۶۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲۸۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریورماه ۱۳۶۱، در مورد قطعی بودن احکام دادگاه‌های بدوى کیفرى، به مستفاد از مستثنیات مصربه در احکام ماهوی به معنای اخص کلمه دارد که بر تعیین مجازات یا برائت صادر می‌شود، لیکن مقتن در ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری به تصمیماتی که دادگاه‌های کیفری از جمله در پرونده‌های منع پیگرد به علت عدم وقوع جرم اتخاذ می‌نماید عنوان رأی اطلاق نموده، که در خصوص و مورد افاده حکم ماهوی را نمی‌کند و این نوع آراء به صراحت ماده ۱۸۰ قانون مارالذکر قابل رسیدگی فرجامی تشخیص می‌شود. بنابراین رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره ۱۳۶۵/۸/۲۰-۳۱:

بسمه تعالی

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در مورد قتل عمدی، اگر بعضی از اولیاء دم کبیر و بعضی دیگر صغیر باشند و اولیاء دم کبیر تقاضای قصاص نمایند، با تأمین سهمی صغار از دیه شرعی می توانند جانی را قصاص نمایند، بنابراین آراء شعب ۱۱ و ۱۶ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۵/۸/۲۰-۳۲

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قتل غیرعمدی در اثر بی احتیاطی در رانندگی وسیله‌نگاری موتوری بدون داشتن پروانه رانندگی که مجازات آن در ماده ۱۵۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی معین شده، از آن جهت که نوعاً تفریط به نفس است در حکم شبه عمد بوده و از لحاظ پرداخت دیه مشمول بند ب ماده ۸ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱/۴/۲۰ می باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۵/۸/۲۷-۳۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

حکم دادگاه حقوقی یک که بر طبق تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب ۱۳۶۴ و در موارد مصريحه در این ماده نسبت به حکم دادگاه صلح (حقوقی دو) صادر می شود، با توجه به قسمت اول تبصره مذکور قابل رسیدگی شکلی (تجدیدنظر) در دیوان عالی کشور نیست، بنابراین رأی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور که نتیجتاً با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه هیأت عمومی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۵/۹/۱۱-۳۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ۷۶ قانون بودجه سال ۱۳۶۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ که از اول سال ۱۳۶۳ قابل اجراء بوده وصول به اعلامیه های ازدواج و طلاق موضوع ردیف های ۶ و ۷ تبصره مذکور را به سازمان ثبت احوال کشور محول نموده است و سردار فرمان ازدواج و طلاق قبل از ابلاغ بخشنامه شماره ۱۳۶۳/۱/۱۵-۲۸۰/۵/۳۳۶ وزارت کشور ارسالی از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک، تکلیفی در وصول وجهه مذبور و واریز به حساب درآمد عمومی نداشته اند تا از این جهت مسؤول پرداخت آن به ثبت احوال باشند، فلذ آراء دادگاه های عمومی حقوقی فسا و نقده و سمنان در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جمهوری اسلامی ایران

قوه قضائیه

دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی

رأی شماره : ۱۳۶۵/۹/۲۰-۳۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ماده ۶ قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰/۱۲/۲۷ در مورد مراجعه دارنده سند عادی زمین به مراجع ذیصلاح قضائی برای تأیید تاریخ تنظیم سند و صحت معامله، با لحاظ ماده ۳۷ آیین نامه اجرائی آن منصرف از موردی است که سند عادی مذبور در مهلت های تعیین شده قبلی به سازمان عمران اراضی شهری ارائه و در کمیسیون سه نفری موضوع الحق سه تبصره به ماده ۱۰ آیین نامه قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری و کیفیت عمران آن مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۳ شورای انقلاب مطرح و نسبت به آن اظهارنظر شده است، در چنین موردی طرح مجدد موضوع در محاکم قضائی مجوز قانونی ندارد، بنابراین رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر شده صحیح تشخیص می شود.

این رأی به موجب ماده واحد قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۵/۹/۲۰-۳۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند ۶ ماده واحده قانون صلاحیت دادسراهای دادگاه های انقلاب مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، ناظر به دو جرم مستقل می باشد که عبارت از جرم گرانفروشی و جرم احتکار ارزاق عمومی است و رسیدگی به جرم گرانفروشی علی الاطلاق در صلاحیت دادگاه های انقلاب است، بنابراین رأی شعبه هفتم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر گردیده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بطبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۵/۱۰/۲۵-۴۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۶ قانون مجازات اسلامی مصوب مهرماه ۱۳۶۱ که مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را بر طبق قانونی قرار داده که قبل از وقوع جرم وضع شده باشد، منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص می باشد که از صدر اسلام تنظیم شده اند، بنابراین رأی شعبه چهاردهم دیوان عالی کشور که حسب درخواست اولیاء دم و به حکم آیه شریفه "ولكم فی القصاص حیات یا اولی الالباب" بر این مبنای قصاص صادر گردیده صحیح تشخیص می شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۵/۱۰/۲۵-۴۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه شهرستان های حوزه یک استان اعم از اینکه بالاصله یا به قائم مقامی نسبت به امر کیفری رسیدگی نمایند، با توجه به صدر بند ۳۲ ماده ۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸ و بر حسب ترتیب و اولویت دادگاه کیفری یک مرکز همان استان است، فلذا رأی شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۶۵/۱۱/۳۰-۵۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴ مفید این معنی است که دادگاه های حقوقی یک قبل از صدور حکم نسبت به دعاوی که در صلاحیت خاصه آنها می باشد باید نظر استتباط قضائی خود را اعلام و بر طبق ماده مرقوم عمل نمایند، که این قاعده در مورد رسیدگی به دعاوی اعتراض به تشخیص کمیسیون ماده ۱۲ قانون اراضی شهری مصوب اسفند ۱۳۶۰ نیز لازم الرعایه است، بنابراین رأی شعبه سوم دیوانعالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی به موجب ماده واحد قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۵/۱۱/۳۰-۵۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴ و ماده ۱۲ قانون مزبور، مرجع تجدیدنظر احکام و قرارهای صادره از دادگاه حقوقی یک را دیوان عالی کشور قرار داده و جمله ذیل ماده ۱۶ قانون یاد شده هم مباینتی با مراتب فوق ندارد، لذا مرجع تجدیدنظر آراء صادره از دادگاه حقوقی یک که بر طبق ماده ۱۶ قانون مرقوم ابتدائاً صادر می شود، دیوان عالی کشور است، بنابراین رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر شده صحیح و منطبق با قانون تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۶/۱/۲۰-۵۰۱

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به عموم و اطلاق ماده ۲۸۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ که حکم بدوى را در سه مورد قابل تجدیدنظر و نقض شناخته، چنانچه وقوع بزه و مراتب رسیدگی قبل از رأى وحدت رویه شماره ۱۵-۱۳۶۳/۶/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بوده، ولی انشاء حکم بعد از رأى مذکور و بدون دخالت وکیل باشد مقررات ماده ۲۸۴ قانون فوق الاشعار قابل اعمال است، بنابراین رأى شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و مطابق با قانون تشخیص می شود.

این رأى به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۶/۲/۱۰-۵۰۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه در ماده واحده لایحه قانونی مصوب مهرماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب تصریح شده که از تاریخ تصویب ماده واحده مذبور به جای وزارت کشاورزی و عمران روستائی، شهرداری های محل، مأمور اجرای ماده ۱۵ مکرر قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلهای و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۸ خواهند بود، لذا وزارت کشاورزی و سرجنگداری در تاریخ مؤخر از تصویب این ماده واحده سمت و مأموریتی در اجرای ماده ۱۵ مکرر قانون فوق الذکر نداشته و این مأموریت بر عهده شهرداری محل می باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۶/۲/۱۰-۵۰۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

صلاحیت دادگاه مدنی خاص برای رسیدگی به دعاوی زناشویی و اختلافات خانوادگی، در بندیک ماده سوم لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب تصریح شده و دعوی راجع به جهیزیه از شمول این دعاوی خارج و در صلاحیت دادگاه های حقوقی است، مگر اینکه طرفین دعوی بر طبق بند ۴ ماده مرقوم به رسیدگی دادگاه مدنی خاص تراضی نمایند ، بنابراین آراء شعب سوم و سیزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه هیأت قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۶/۲/۱۰-۵۰۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

درخواست تغییر نام صاحب سند سجلی از حیث جنس (ذکور به اناث یا بالعکس) از مسائلی است که واجد آثار حقوقی می باشد و از شمول بند ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال خارج و رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است، بنابراین رأی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور که نتیجتاً بر اساس این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۶/۳/۲۱-۵۰۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

آراء دادگاه‌های حقوقی یک که به استناد ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴ صادر می‌شود، به مستفاد از صدر تبصره ماده ۱۲ قانون مرقوم و در موارد مصريحه در این ماده قابل رسیدگی تجدیدنظر در شعبه دیگر دادگاه حقوقی یک همان محل است و اگر در آن محل شعبه دیگری نباشد با نزدیکترین دادگاه حقوقی یک خواهد بود، بنابراین رأی شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۶/۹/۱۷-۵۰۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب آذر ماه ۱۳۶۴ کیفیت صدور رأی را پس از خاتمه رسیدگی نخستین به دعاوی که در صلاحیت دادگاه های حقوقی یک می باشد معین نموده، که در دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال هم قابل اعمال می باشد و ماده ۹ قانون مذبور راجع به صلاحیت اضافی دادگاه های حقوقی دو مستقل، مقررات ماده ۱۴ را در مورد دعاوی اسناد سجلی که دادگاه های حقوقی یک بدولاً رسیدگی می نماید نفی نمی کند، بنابراین اقدام دادگاه حقوقی یک خرم آباد که پس از خاتمه رسیدگی به دعوی، راجع به سند سجلی نظر خود را اعلام نموده و با وصول اعتراض پرونده را به دیوان عالی کشور فرستاده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۶/۱۰/۱۵-۵۰۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مادتین ۳۷ و ۳۸ قانون کار مصوب اسفند ماه ۱۳۳۷، هرگونه اختلاف بین کارگر و کارفرما را که ناشی از اجرای مقررات قانون مذبور و یا قرارداد کار باشد و از طریق سازش رفع نشود، قابل رسیدگی در شورای کارگاه و مراجع حل اختلاف قانون کار قرار داده، بنابراین دعوی کارگر علیه کارفرما برای مطالبه حقوق ایام اشتغال به کار هم مشمول مقررات قانون کار می باشد و باید در مراجع حل اختلاف قانون کار به آن رسیدگی شود، لذا رأی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر و به استناد ماده ۱۶ قانون مصوب ۱۳۵۶ بر تأیید قرار عدم صلاحیت دادگاه دادگستری به اعتبار صلاحیت مراجع حل اختلاف قانون کار صادر گردیده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۶۷/۴/۵۰۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۶۲ و آیین نامه اجرایی آن ناظر به اسناد فروش موقوفات و تبدیل آنها به ملک است. صلاحیت کمیسیون ماده دو فصل دوم آیین نامه موصوف هم تشخیص مشروع یا نامشروع بودن فروش مزبور می باشد که مستلزم عدم وجود اختلاف در اصل وقفیت است، اما اگر در مورد رقبه ای که به عنوان ملک ثبت شده و سابقه فروش وقفی نداشته ادعای وقفیت گردد، موضوع از شمول قانون مزبور و صلاحیت کمیسیون ماده دو فصل دوم آیین نامه موصوف خارج و رسیدگی به دعوی وقفیت بر طبق بند دو ماده سه لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب در صلاحیت دادگاه مدنی خاص خواهد بود. بنابراین رأی شعبه هجدهم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۷/۴/۵۰۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

مجازات کیفری جرم اختلاس در ماده ۷۵ قانون تعزیرات پنج سال حبس معین شده و رد وجه یا مال مورد اختلاس به هر میزانی که باشد جزای نقدی یا مجازات محسوب نبوده و در امر صلاحیت دادگاه تأثیری ندارد، بنابراین رسیدگی به جرم اختلاس در صلاحیت دادگاه کیفری دو می باشد و رأی شعبهٔ یازدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه‌ها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۳/۲۵-۵۱۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در مادتین ۱۲ و ۱۳ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴، برای درخواست تجدیدنظر از احکام و قرارهای دادگاه های حقوقی یک و دو موعد معین نشده است، کیفیت تنظیم عبارات موارد سه گانه مندرج در ماده ۱۲ قانون مذبور نیز مفید این معنی است که قانونگزار درخواست تجدیدنظر را در موارد مصربه در ماده مرقوم مقید به مهلت ندانسته است ، بنابراین آراء شعب اول و هجدهم و نوزدهم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره: ۱۳۶۷/۷/۲۵-۵۱۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به ماده ۸ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ سند ولادت تنظیمی در اداره ثبت احوال رسمی است النهایه برطبق مادتین ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دعوی مخالف با مفاد یا مندرجات اسناد ولادتی که در مهلت مقرر در تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت احوال صادرشده به تنهاًی با شهادت شهود قابل اثبات نمی‌باشد. بنابراین رأی شعبه دهم دیوان عالی کشو رکه براساس این نظر صادرشده صحیح تشخیص می‌شود.
این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور در موارد مشابه لازم الاتّباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۷/۸/۲-۵۱۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دعوی راجع به ابطال واقعه فوت یا رفع این واقعه از اسناد ثبت احوال، علاوه بر اینکه متضمن آثار حقوقی می‌باشد، از شمول ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ خارج و رسیدگی به دعوی مذبور در صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری است، لذا رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور مبنی بر صلاحیت محاکم عمومی دادگستری صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۸/۲-۵۱۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ادعای وجود رابطه مادر و فرزندی از جمله دعاوی راجع به نسب می باشد که بر طبق بند دو ماده سوم لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب باید در دادگاه مدنی خاص رسیدگی شود، لذا رأی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۹/۳۰-۵۱۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲۰۲ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱، ناظر به جرائمی است که در صلاحیت دادگاه های کیفری عمومی می باشد و منصرف از جرایم خاص دادگاه انقلاب اسلامی است، بنابراین رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور که این جرائم را از یکدیگر منفک دانسته و بر حسب مورد به صلاحیت دادگاه های کیفری عمومی و دادگاه انقلاب اسلامی اظهار نظر نموده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۰/۲۰-۵۱۵

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بند سوم ماده ۳۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه های عمومی مصوب ۱۳۵۸ که به اعتبار خود باقی می باشد، مرجع رفع اختلاف در امر صلاحیت بین دادگاه های حقوقی شهرستان های واقع در حوزه یک استان را دادگاه حقوقی مرکز استان قرار داده و بر این اساس و به قاعده ترتیب و اولویت، مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه های حقوقی یک و حقوقی دو شهرستان تابع یک استان هم دادگاه حقوقی یک مرکز استان مربوطه می باشد، بنابراین رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۰-۵۱۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دادگستری را مرجع رسمی تظلمات و شکایات قرار داده و در اصل ۱۳۷ قانون اساسی هم تصریح شده که هریک از وزیران مسؤول وظایف خاص خود در برابر مجلس است و در اموری که به تصویب هیأت وزیران برسد مسؤول اعمال دیگران نیز می باشد، بنابراین تصویب نامه شماره ۱۶۱۰۴/ت/۸-۲۳۵ ۱۳۶۶/۵/۸ هیأت وزیران که برای ارشاد دستگاههای اجرایی و به منظور توافق آنها در رفع اختلافات حاصله تصویب شده، مانع رسیدگی دادگستری به دعاوی و اختلافات بین دستگاه های اجرایی که به اعتبار مسؤولیت قانونی آنها اقامه می شود نخواهد بود، لذا رأی شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور مبنی بر صلاحیت عام دادگستری صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شرعاً کرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۱/۱۸-۵۱۷

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر دادرس دادگاه کیفری بر قابل تعقیب دانستن متهم، که ضمن رسانیدگی به شکایت از قرار منع پیگرد ابراز شود، اظهار عقیده در موضوع اتهام محسوب نبوده و از موارد رد دادرس نمی باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۱/۱۸-۵۱۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

سمت ولایت قهری پدر نسبت به فرزند، در ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی تصریح شده که تا رسیدن به سن بلوغ ادامه می یابد، سند سجلی هم در اثبات بلوغ طریقت دارد، لذا چنانچه سند سجلی حکایت از بلوغ داشته اما ولی قهری مدعی نرسیدن فرزند خود به سن بلوغ باشد و اصلاح تاریخ تولد او را بخواهد، قبول دادخواست ولی قهری و رسیدگی به دعوی منعی ندارد، بنابراین رأی شعبه پانزدهم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۲/۲-۵۱۹

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴، احکام دادگاه‌های حقوقی دو را در موارد مصرحه در این ماده قابل رسیدگی تجدیدنظر شناخته و ماده ۴ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آنها مصوب مهرماه ۱۳۶۷ هم دادگاه‌های حقوقی یک را مرجع رسیدگی تجدیدنظر و نقض این نوع احکام قرار داده، که علی الاطلاق شامل احکام دادگاه‌های حقوقی دو موضوع ماده چهار قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ نیز می‌شود، بنابراین رأی شعبه ۱۷ دادگاه حقوقی یک تهران صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۲/۹-۵۲۰

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده اول قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲، علی الاطلاق کلیه اماکن مسکونی را که به شرح این ماده به منظور اجاره به تصرف متصرف داده شده یا بشود، مشمول قانون مذبور قرار داده و ماده ۱۵ این قانون با ماده اول آن تعارض ندارد و از حکم کلی آن مستثنی نمی باشد، بنابراین کلیه اماکن مسکونی که به شرح ماده اول به منظور اجاره به تصرف متصرف داده شده یا بعداً داده شود، تابع مقررات قانون مذبور و ماده ۴۹۴ قانون مدنی و شرایط مقرر بین طرفین است و رأی شعبه دوم دادگاه حقوقی یک ارومیه که بر اساس این نظر صادر شده صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره: ۱۳۶۷/۱۲/۹-۵۲۱

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جرائمی که اعلام شده عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران موضوع بند یک ماده واحده قانون حدود و صلاحیت دادسراهای دادگاه های انقلاب مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ می باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسرای انقلاب است، بنابراین رأی شماره ۱۳۶۴/۴/۲۹-۲۰/۸۲۳ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۲/۲۳-۵۲۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در رانندگی وسائل نقلیه موتوری براثر بی احتیاطی که منتهی به قتل یا جرح یا نقص عضو گردد و دادگاه وقوع جرم و تخلف راننده را احراز نماید که مستلزم پرداخت دیه و مجازات تعزیری باشد، باید نظر استنباطی خود را در مورد نوع دیه و مجازات تعزیری توأمًا به دیوان عالی کشور اعلام نماید و تفکیک تعیین دیه از مجازات تعزیری صحیح نیست. بنابراین رأی شعبه چهاردهم دیوان عالی کشور که بر اساس این نظر صادر شده منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۷/۱۲/۲۳-۵۲۳

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماد ۳ قانون دیات، انتخاب هریک از انواع پنجگانه دیات را در اختیار جانی قرار داده و دادگاه بر اساس انتخاب مذبور حکم صادر می نماید که به شرح ماده ۹ قانون دیات باید اجرا شود، بنابراین تجدیدنظر در حکم دادگاه به منظور تغییر نوع دیه مجازی ندارد و رأی شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور که درخواست تغییر نوع دیه را بعد از صدور حکم نپذیرفته صحیح تشخیص می شود.
این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۱/۲۹-۵۲۴

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

جهات رد دادرس در امور جزائی، در ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده و رسیدگی دیوان عالی کشور مبنی بر تنفیذ یا عدم تنفیذ نظر دادگاه کیفری یک با هیچ یک از جهات مذبور تطبیق نمی کند تا مجوز رد دادرس برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی باشد، اظهار عقیده در موضوع دعوی هم که به شرح بند ۷ ماده ۲۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی از موارد رد دادرس محسوب شده، منصرف از این مورد است، زیرا در اعاده دادرسی مسائلی عنوان می شود که قبلًا مطرح نشده و سابقه رسیدگی ندارد، بنابراین رأی شعبه بیستم دیوان عالی کشور مبنی بر رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۱/۲۹-۵۲۵

بسمه تعالیٰ
رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری که موقوفی تعقیب امر جزائی را با شرایط خاصی تجویز نموده که از آن جمله صلح و سازش طرفین در جرائم قابل گذشت است و با توجه به اینکه مطالبه نفقه زوجه از حقوق الناس می باشد، لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود، دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۲/۱۹-۵۲۶

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به ماده ۴ قانون مدنی که مقرر می دارد: اثر قانون نسبت به آتبیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی اتخاذ شده باشد و نظر به اینکه در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب مهرماه ۱۳۶۷ مقررات خاصی برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر محکوم عليه نسبت به احکام سابق دادگاه های کیفری قید نشده و بر طبق بند ب از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی مصوب آذرماه ۱۳۴۹ آراء دادگاه ها از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن می باشد، لذا محکوم عليه حکم کیفری که قبل از لازم الاجراء شدن قانون موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها (۱۳۶۷/۹/۴) صادر گردیده نمی تواند رأساً به استناد قانون مذبور درخواست تجدیدنظر نماید.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد الحاقی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۶/۱۴-۵۲۷

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب ۱۳۶۷، ظهور بر این امر دارد که قانونگذار در مقام تعیین مراجع تجدیدنظر و متقاضیان تجدیدنظر و موارد نقض احکام دادگاه‌ها در مراجع تجدیدنظر بوده و به موعد و مهلت تجدیدنظرخواهی نظری نداشته است، بنابراین ماده ۱۴ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ که مهلت تجدیدنظرخواهی را ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم معین نموده به قوت و اعتبار خود باقی است و رأی شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور نتیجتاً صحیح تشخیص می‌شود.

این رأی برطبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۸/۲-۵۲۸

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

بر اساس ماده ۲۸۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ دادستان می توانسته است نسبت به احکام دادگاه های کیفری درخواست تجدیدنظر نماید. ماده ۸ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها و نحوه رسیدگی به آنها مصوب مهرماه ۱۳۶۷ نیز صریحاً این حق را در موارد مصربه در این ماده به دادستان داده است، لذا مورد منصرف از ماده ۴ قانون مدنی می باشد و دادستان می تواند به استناد ماده ۸ قانون مارالذکر نسبت به احکام سابق الصدور دادگاه های کیفری یک و کیفری دو درخواست تجدیدنظر نماید و مرجع تجدیدنظر به شرح مندرج در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه ها است، بنابراین رأی شعبه ۱۳۵ دادگاه کیفری یک تهران که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۸/۸/۵۲۹

بسم الله تعالى

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری که ثبوت تقصیر متهم را منوط به مسائلی قرار داده که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است، ناظر به اختلاف در حق مالکیت نسبت به اموال غیرمنقول می باشد و در مورد اموال منقول صدق نمی کند، فلذا رأی شعبه ۱۷ دادگاه کیفری دو شیراز که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۱۲/۵۳۰

بسم الله تعالى

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

در جرم سرقت، اگرچه رضایت صاحب مال یا انصراف او از تعقیب شکایت در مراحل قبل از دادگاه و رفع الى الحاکم موجب سقوط حد شرعی یا تعزیر می شود، ولی از لحاظ اخلال در امنیت جامعه و سلب آسایش عمومی به مستفاد از فتوای حضرت امام رضوان الله تعالى عليه به شرح مسئله ۱۲ از مجموعه استفتائات دادگاه های کیفری که به این عبارت می باشد: اگر برای حفظ نظم لازم می داند (حاکم شرع) یا اگر از قوانین بدست می آید که اگر تعزیر نشود جنایت را تکرار می کند، باید تعزیر شود، طرح پرونده در دادگاه ضروری است.

این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور



رأی شماره : ۱۳۶۸/۱۲/۱-۵۳۱

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

صلاحیت دادگاه های حقوقی دو در ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه های حقوقی یک و دو مصوب آذرماه ۱۳۶۴ تصریح شده، که بدون استثناء شامل دعاوی دولتی و غیردولتی می باشد و متنضم نسخ بند یک ماده ۱۶ قانون آینین دادرسی مدنی است، بنابراین رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
و
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۸/۱۲/۲۱-۵۳۲

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تعیین امین برای اداره اموال غایب مفقود الاثر، موضوع ماده ۱۰۱۲ قانون مدنی و مادتین ۱۲۶ و ۱۳۰ قانون امور حسبي، غير از خصم امين می باشد که در بند سوم ماده ۳ لایحه قانوني دادگاه مدنی خاص قيد شده و صلاحيت دادگاه های حقوقی يك در رسيدگي به امور غایب مفقود الاثر بالملازمه شامل تعیین امين برای اداره اموال غایب نيز می شود، بنابراین رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائي مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتبع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی



رأی شماره : ۱۳۶۸/۱۲/۲۱-۵۳۳

بسمه تعالیٰ

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رسیدگی به اتهام صدمه واردہ منتهی به شکستگی استخوان، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو می باشد، مگر در مورد بند هـ ۷ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸، که در این صورت پرونده باید در دادگاه کیفری یک رسیدگی شود، بنابراین رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب سال ۱۳۶۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

اداره کل وحدت رویه
نشر مذاکرات و آراء هیأت عمومی